



بررسی جایگاه آموزش و پرورش در تربیت شهروندی

۱. نفیسه نقی زاده، ۲. جمشید امید،

۱. دانشجو معلم دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا تبریز (نویسنده مسئول)، Nafiseh.ng95@gmail.com

۲. مدرس دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی، Jamshidomidi447@yahoo.com

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی جایگاه نهاد آموزشی در تربیت شهروندی است. روش تحقیق، مروری- کتابخانه‌ای می‌باشد. برای داشتن شهروندی آگاه، وظیفه‌شناس، قردان، متعهد و مسئولیت‌پذیر؛ و همچنین برای اینکه جامعه، بستر لازم را برای مشارکت شهروندان مهیا کند و نسبت به حقوق آنها توجه جدی داشته باشد؛ چاره‌ای نیست جز این که در امر تربیت شهروندان، جدی باشیم. نتایج این تحقیق نشان داد که در تربیت شهروندی، دو نهاد، نقش اساسی بر عهده دارد: الف) نهاد آموزشی که از طریق برنامه درسی رسمی و پنهان در برانگیختن مشارکت دانش‌آموزان در اداره‌ی امور مدرسه و فعالیت‌های فوق‌برنامه و ایجاد بستر لازم برای همکاری و نزدیکی نهاد آموزشی و خانواده و دادن آگاهی به والدین، نقش اساسی دارد. ب) نهاد خانواده که از طریق ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده، به‌عنوان الگوی فرزندان و همانندسازی کودکان با آنها، ایجاد فضای عاطفی و روانی مناسب، احترام به خود و ایجاد تصور مثبت در آنان نسبت به توانایی خود، نقش ایفا می‌کند.

کلید واژگان: حقوق شهروندی، روش‌های آموزشی، تعلیم و تربیت، تربیت شهروندی.



Examining the status of education in citizenship education

Nafiseh, Nagizadeh; Jamshid, Omid

Student university of teachers educators pardis fatematozzahra Tabriz

Master of teacher educator

Abstract

The aim of this study was to evaluate the status of the institution of education in citizenship education. The research method is the library-review. Be serious. The results showed that citizenship education, the two institutions, a key role is responsible for: a) the educational institution: rough formal and hidden curriculum in stimulating students' participation in managing the school and extra-curricular activities and create a platform for cooperation and educational institutions and families and giving information to parents. B) Family: the values and norms accepted, as an identification of children and children with them, creating an atmosphere of emotional and psychological convenient, self-respect and create a positive impression on them than their ability.

Keywords: civil rights, procedures, training, education, citizenship education.



مقدمه

در جوامع نوین امروزی، تاثیر رشد و توسعه بر قوانین و رفتار شهروندان گریزناپذیر بوده است. چنانچه موريس دوروژه^۱ در یکی از آثار خود می‌نویسد: "تبلیغات دولت‌های استبدادی، تبلیغات بازرگانی کشورهای سرمایه‌داری، جنگ انقلابی، جنگ روانی و روابط عمومی، همه این تکنیک‌ها بیش از شکافتن اتم، زندگی انسان‌های زمان ما را تحت تاثیر قرار داده- اند" و دولت‌ها را ملزم به وضع تکالیف جدید و صیانت از حقوق شهروندان کرده است؛ که صیانت از حقوق شهروندی و پیاده‌سازی آن در جامعه می‌تواند کشور را در روند توسعه‌یافتگی همراهی کند (صداقتی‌فرد، ۱۳۹۱: ۲). بسترسازی برای عمل به این امر مستلزم ارتقای آگاهی عمومی و مشارکت جمعی از طریق آموزش، تعلیم و تربیت، خصوصا تربیت شهروندی می‌باشد.

تربیت شهروندی مقوله‌ای است که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از مجامع علمی- پژوهشی در جهان قرار گرفته است. این عرصه گسترده در برگیرنده طیفی از دیدگاه‌های فلسفی، ایدئولوژی و سیاسی و نیز رویکردهای تعلیم و تربیت است. تربیت شهروندی، تدارک فرصت‌هایی برای اشتغال دانش‌آموزان در تجربه‌های معنادار یادگیری است به گونه‌ای که به تسهیل و رشد آن‌ها به عنوان افراد متعهد و فعال اجتماعی و سیاسی بیانجامد. بر این اساس تربیت شهروندی نگاه ویژه‌ای به یادگیری دانش و توانش و نگرش‌هایی دارد که فرد را در تعامل اثرگذار و مطلوب با افراد دیگر و دولت یاری می- رساند (قلنتاش و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۹). بنابراین با توجه به فقدان تحقیق‌های کافی در حوزه حقوق شهروندی و از سوی دیگر نامعلوم بودن جایگاه آن در روش‌های آموزشی، لازم است که منشور حقوق شهروندی و روش‌های آموزشی در تعلیم و تربیت مورد مطالعه عمیق قرار گیرد؛ که تحقیق حاضر بر روش‌های آموزشی شهروندی متمرکز است.

۲- متن اصلی تحقیق

۲-۱- مفهوم حقوق شهروندی

حقوق از نظر لغوی جمع حق است و آن اختیارات، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی است که به موجب قانون، شرع، عرف و قراردادی برای انسان‌ها لحاظ شده است و در اصطلاح، اصول، قواعد و مقرراتی است که روابط انسان‌ها را با هم در حقوق خصوصی و روابط فرمانروایان و فرمانبران را در حقوق عمومی و اساسی تنظیم می‌کند. در واقع مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌شوند و نیز اطلاقی عام است بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند. دارنده این حقوق یعنی شهروند، به تک تک افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند، اطلاق می‌شود، فراتر از مفهومی تحت عنوان تابعیت، بدون اعتنا به سلسله مراتب، موقعیت‌هایی متمایز برای افراد، وجود شرایطی برای به رسمیت شناخته شدن، حاکمانی خاص و حکومت شونده‌گان خاص و در مقابل مبتنی بر رابطه‌ای چند سویه بین دولت، جامعه و شهروندان و وجود یک اخلاق مشارکت و موقعیتی فعالانه (دستمالچی‌ان؛ ۱۳۹۰: ۵). به عبارتی دیگر مجموعه حقوق و امتیازاتی که به شهروندان یک کشور با لحاظ

³ Mouriss Dorojhe



کردن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض، برای فراهم‌سازی زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان در نظام حقوقی هر کشور تعلق می‌گیرد، حقوق شهروندی نام دارد.

در این ارتباط، لطف آبادی (۱۳۸۵)، عقیده دارد؛ همه افرادی که به دنیا می‌آیند باید به عنوان یک شهروند شناخته شوند و از تمام حقوقی که در اعلامیه‌ی حق رشد و عهدنامه‌ی حقوق کودک مقرر شده است، بهره‌مند شوند. هر فردی به انواع گوناگونی از جوامع، از خانواده و جامعه محلی گرفته تا جامعه ملی و بین‌المللی و انسانی، متعلق است و باید از تمام حقوق خود در این جوامع بر خوردار باشد و مسئولیت‌های شهروندی را بر عهده بگیرد.

آشتیانی و همکاران، (۱۳۸۵) نیز معتقدند که با وجود تغییرات بسیار در اندیشه‌ها، هنوز نمی‌توان گفت که در زمینه‌ی حقوق و تکالیف شهروندی، آگاهی عمومی و صحیحی وجود دارد. بنابراین تا زمانی که آگاهی وجود نداشته باشد شناخت وظایف و امکان انجام تکالیف وجود نخواهد داشت.

۲-۲- مفهوم تربیت شهروندی

تربیت شهروندی به آن بخش از فعالیت‌های تعلیم و تربیت اطلاق می‌شود که در اشکال رسمی و غیررسمی افراد یک جامعه را برای عضویت در جامعه سیاسی آماده می‌کند. تربیت شهروندی هم در اشکال صریح و هم در اشکال ضمنی دنبال می‌شود و محتوای آموزشی آن، هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه‌ای یافت می‌شود (فتحی؛ ۱۳۸۱: ۱۸۹).

۳-۲- اهمیت تربیت شهروندی

بی‌گمان تربیت شهروندان خوب یکی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های اکثر نظام‌های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای دنیا می‌باشد. مطالعات انجام شده در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که مسئولان تعلیم و تربیت در این کشورها با عزمی راسخ و با تدوین برنامه‌های آموزشی متنوع، تربیت شهروند خوب را در صدر اقدامات و فعالیت‌های خود قرار داده‌اند (فتحی، ۱۳۸۱: ۱۸۲). با در نظر گرفتن این که یکی از کارکردهای اصلی هر نظام آموزشی، اجتماعی کردن افراد جامعه است، و این امر نیز بیشتر از طریق برنامه‌های آموزشی و درسی صورت می‌گیرد و با توجه به اهمیت و جایگاه سازماندهی محتوا در برنامه درسی، نقش آن در یادگیری موثر، ضرورت استفاده منطقی از شیوه‌های سازماندهی در تهیه برنامه‌های درسی، تعیین اصول و روش‌های مناسب سازماندهی محتوا و نیز این واقعیت که در بسیاری از کشورها، روش‌های آموزشی، بستر مناسبی برای آموزش شهروندی است؛ چالش‌ها و مشکلاتی که چنین آموزشی در ایران با آن مواجه است، شیوه انتخاب روش‌های آموزشی مناسب در تعلیم و تربیت با محوریت حقوق شهروندی ضرورت می‌یابد (گوازی، ۱۳۸۷: ۱۸).

در این باره لطف‌آبادی (۱۳۸۵) می‌نویسد: از آنجا که شهروندی یک فرایند مربوط به تمام عمر است. همه افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزش‌های متناسب با شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند. دانش آموزان نیز نیازمند آن هستند که در زمینه‌های اخلاقی، رشد اجتماعی و دانش و درک درست از جهان آموزش ببینند، در تمام تصمیم‌گیری‌های مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به عنوان یک شهروند، به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند.



۲-۴- اهداف حقوق شهروندی

هدف کلان: از نظر دستمالچیان (۱۳۹۰: ۶) هدف کلی حقوق شهروندی، تأمین سعادت شهروندان و مدیران از طریق ایجاد محیط شهری مناسب، برخوردار، هدفمند و یکپارچه برپا شده بر اساس قوانین الهی می‌باشد.

اهداف جزئی:

از هدف‌های جزئی تربیت شهروندی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد (دستمالچیان؛ ۱۳۹۰: ۶):

۱. بسط و گسترش توانائی‌های شهروندان
۲. تقویت حس تعلق اجتماعی
۳. تقویت حس اعتماد به نظام مدیریت شهری
۴. ایجاد عدالت در برخورداری از فرصت‌ها و امکانات
۵. ساماندهی و یکپارچه‌سازی امور شهروندان
۶. شناسایی و سنجش شاخص‌های مرتبط با شهروندی
۷. بهبود و ارتقای شاخص‌های مثبت شهروندی
۸. توسعه و تعمیم دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های مثبت و سازنده شهروندان
۹. تقویت ساختار شهروندی از طریق استقرار نظام حقوق، تکالیف بین شهروندان و مدیران شهری
۱۰. مشارکت جویی و افزایش میزان اثرگذاری شهروندان در بهبود امور شهر
۱۱. تقویت بینش زندگی جمعی و احترام به نیازهای جمعی در مقابل فردگرایی
۱۲. بسترسازی تعاملات هدفمند اجتماعی به منظور تثبیت حاکمیت.

۲-۵- انواع حقوق شهروندی

بر اساس یک تقسیم‌بندی کلی، از نظر دستمالچیان (۱۳۹۰)، حقوق شهروندی به سه گونه؛ حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی تقسیم‌بندی می‌گردد:

الف) حقوق مدنی: شامل حقوق مربوط به آزادی، حقوق مربوط به مساوات و حقوق مربوط به مصونیت افراد می‌شود. حقوق مربوط به آزادی شامل این موارد است:

- آزادی عملکرد فردی مانند آزادی انتخاب مسکن و محل سکونت، آزادی مکاتبات و آزادی رفت و آمد،
- آزادی اندیشه مانند آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی آموزش و پرورش،
- آزادی گردهمایی مانند آزادی تجمعات موقتی و آزادی سازمان پیوندی،



- آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی مانند آزادی مالکیت، آزادی بازرگانی و صنعتی، آزادی کار و آزادی سندیکایی،
- حقوق مربوط به مساوات شامل: مساوات در مقابل قانون، مساوات در مقابل دادگاه‌ها، مساوات در پرداخت مالیات، مساوات از لحاظ اشتغال به مشاغل دولتی و مساوات در خدمت نظام وظیفه.
- (ب) **حقوق سیاسی:** حقوقی است که به موجب آن، شخص دارنده حق، می‌تواند در حاکمیت ملی خود شرکت کند. مهم‌ترین حقوق سیاسی عبارتند از: حق شرکت در انتخابات، حق انتخاب شدن در مشاغل سیاسی، حق دارا بودن تابعیت.
- (ج) **حقوق اجتماعی:** این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط می‌شود. این حقوق شامل موارد ذیل است:
 - حمایت‌های مادی و درآمدی مانند تامین مسکن، تامین شغل، پرداخت حقوق و مزایای کافی، برخورداری از حداقل دستمزد، تامین اجتماعی (در صورت بیکاری، بیماری، از کار افتادگی، پیری، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح)،
 - برخورداری از آموزش و پرورش رایگان،
 - برخورداری از بهداشت و درمان، مانند برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی و برخورداری از بیمه‌های درمانی همگانی،
 - حمایت‌های قضایی، مانند حق برخورداری از وکیل و حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه.

۲-۶- ارتباط تعلیم و تربیت با مفهوم شهروندی

ادبیات تعلیم و تربیت به طرز چشم‌گیری با مقوله شهروندی گره خورده است. تربیت شهروندی به زعم پریور^۱ (۲۰۰۱) عبارت است از: تجلیات کلامی، نموداری و یا تصویری، اصول، مفروضات و چارچوب‌هایی که متخصصان برای تربیت شهروندی ضروری می‌دانند. در چشم‌انداز ملی، فلسفه اصلی تربیت شهروندی، دستیابی به مقاصدی چون وفاداری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار موسسات سیاسی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم شدن در مقابل قانون و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزش‌های بنیادین جامعه نظیر تساوی، برابری، علاقه، مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی است (قائدی؛ ۱۳۸۵: ۱۹۱).

حوزه آموزشی شهروندی تحت پوشش دامنه وسیعی از اصطلاح‌ها در میان کشورهای جهان است که با موضوع-های دینی و دروس اختیاری که ترکیب‌هایی از موضوع‌های زیر را در برمی‌گیرد نیز ارتباط دارد. آموزش تاریخ و مدنی، آموزش مدنی و اقتصاد، تاریخ و مطالعات اجتماعی، آموزش دینی و اخلاقی، آموزش مدنی و اصول اخلاقی، علوم اجتماعی، جغرافیا و تاریخ. بنابراین می‌توان گفت که دامنه اصطلاح‌ها و پیوندهای موضوعی بر وسعت و پیچیدگی مسایل طرح شده در این حوزه تأکید دارند. از این‌رو ماهیت پیچیده و چالش برانگیز مفهوم آموزش شهروندی منجر به تعبیرهای مختلفی از آن شده است.

¹ Perior



۲-۷- راهکارهای تربیت شهروند

آماده‌سازی شهروندان برای زندگی و زیست در یک زمینه محلی، ملی و یا بین‌المللی، مستلزم فراهم‌سازی فرصت‌های تربیت مناسب می‌باشد به‌ویژه در صورتی که نیک بنگریم، تربیت شهروندی با فلسفه تأسیس نظام آموزش و پرورش گره خورده است. زیرا در یک برداشت کلی، هدف اصلی از ایجاد و توسعه نظام آموزشی، تربیت شهروندان موثر و فعال برای جامعه می‌باشد و آینده هر کشوری بر میزان توانمندی، آگاهی و نوع نگاه و بینش شهروندان آن نسبت به امور مختلف کشور و جهان بستگی دارد. از این‌رو، در جوامعی نظیر کشور ایران، که این هدف کمتر مورد توجه واقع شده است، آموزش و پرورش شهروندان مناسب، اولویتی پنهان به‌شمار می‌رود.

لوپسی، (۱۳۸۵) پیشنهاد می‌دهد که در دوره دبستان آموزش حقوق شهروندی و حقوق بشر از طریق قصه، حکایت، نمایشنامه و بازی انجام گیرد؛ برای مثال به عقیده کارکنان آموزش پرورش آمریکا، نقالی و نمایشنامه‌های تئاتر، احترام به حقوق انسان را به دانش‌آموزان تعلیم می‌دهد. همچنین در دوره دبستان به منظور آموزش حقوق شهروندی، به کاربردن روش‌های مبتنی بر شرکت فعالانه دانش‌آموزان توصیه شده است؛ مثلاً در ایالات متحده آمریکا به شاگردان سال‌های آخر دبستان غالباً مسولیت‌هایی مثل آماده ساختن تابلو اعلانات و نمایشگاه‌ها، استقبال کردن از بازدیدکنندگان و کارکردن در دفاتر و کتابخانه مدرسه و همچنین بازدید از ادارات محلی، بنگاه‌های تجاری و صنعتی و اماکن فرهنگی و تاریخی به منظور آشنایی با حقوق شهروندی به دانش‌آموزان محول می‌گردد.

بطور کلی مجموعه‌ها و مکان‌های معینی وجود دارد که افراد می‌توانند در آن، شهروندی را بیاموزند، از جمله‌ی آن‌ها، خانواده، نظام آموزش مدرسه‌ای، آموزش‌های رسمی و غیررسمی پس از مدرسه، محل کار و مشارکت در فعالیت‌های مدنی است. در این مقاله، بحث متمرکز بر نظام آموزشی با تأکید بر برنامه درسی است. در این راستا قاندهی (۱۳۸۵: ۱۸۹) برای پرورش ویژگی‌ها و ارزش‌های شهروندی، راهکارهای زیر را بر شمرده است.

الف) آموزش مستقیم شهروندی از طریق برنامه‌های درسی

نخستین نشانه عزم راسخ برای تربیت شهروندی، وجود برنامه درسی ویژه برای این امر است تا از طریق اجرای آن، دانش‌آموزان یک فضای دموکراتیک را تجربه نمایند. این چگونگی، مستلزم آن است که مقامات مسئول و سیاستگذاران آموزشی و مدارس، بازاندیشی مجددی را نسبت به مناسب بودن موضوعات درسی سنتی برای تربیت شهروندی انجام دهند. دو شکل یا الگوی اصلی برای آموزش مستقیم از طریق برنامه درسی وجود دارد:

۱- آموزش از طریق برنامه‌های درسی مجزا: منظور از برنامه درسی مجزا آموزش شهروندی در قالب یک برنامه درسی خاص و جدا از سایر برنامه‌های درسی است. برای مثال در کنار دروسی نظیر ریاضیات، علوم تجربی و مانند آن، درس ویژه‌ای برای شهروندی در نظر گرفته شود. در این شیوه، برنامه درسی تربیت شهروندی، با توجه به پارامترهای زمان شرکت کنندگان و معلمان، تدوین و اجرا می‌شود.

۲- آموزش از طریق برنامه‌های درسی درهم تنیده: در این شیوه، تربیت شهروندی با موضوعات و برنامه‌های درسی دیگری که در مدارس آموزش داده می‌شود درهم تنیده می‌شود. منظور از درهم تنیده کردن، تلفیق مباحث شهروندی با دروس نزدیک و مرتبط به یکدیگر در قالب یک درس خاص می‌باشد. به نظر می‌رسد استفاده از هر دو شکل



پرورش ارزش‌های شهروندی (برنامه مجزا و درهم تنیده)، حصول به هدف‌های تربیت شهروندی را بهتر ممکن می‌سازد. در صورتیکه، برنامه‌های درسی ویژه و مجزایی برای تربیت شهروندی تدوین شود و یا اینکه ارزش‌های شهروندی به صورت درهم تنیده عرضه شود، اهداف آن می‌تواند مشتمل بر موارد زیر باشد (همان منبع):

۱- کمک به دانش‌آموزان در تعبیر و تفسیر ارزش‌ها و مفاهیمی که توسط وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و منتقل می‌شود؛

۲- فراهم سازی مبنای لازم برای رشد روحی و روانی دانش‌آموزان؛

۳- توسعه حس قدر شناسی و تقدیر نسبت به میراث فرهنگی و هویت ملی؛

۴- افزایش مسئولیت پذیری شخصی؛

۵- افزایش آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی؛

۶- فراهم کردن راهنمایی برای رفتار در زندگی روزمره؛

۷- کمک به افراد جهت دستیابی به یک شخصیت مستقل و منطقی؛

۸- مبارزه با بدرفتاری با محیط زیست؛

۹- افزایش و ارتقای صلح (در سطح ملی و بین‌المللی)؛

۱۰- تقویت غرور ملی در سطح جامعه؛

۱۱- تقویت مبنای خانواده؛

۱۲- افزایش احترام به ارزش‌های عدالت، برابری و مانند آن؛

۱۳- تقویت و تسریع رشد و توسعه اقتصادی؛

۱۴- افزایش احترام و تساوی فرصت‌ها برای دختران و زنان؛

۱۵- جلوگیری از آسیب رسانی اجتماعی و افزایش بردباری و تحمل؛

۱۶- پذیرش نظم و تبعیت از قوانین اجتماعی.

۲-۸- نظریه‌های تربیت شهروندی

میشل سدلر^۱ یکی از نظریه پردازان صاحب نام آموزش و پرورش تطبیقی، بر این باور است که نظام آموزشی شهروندی در هر کشوری متأثر از مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فنی و اقتصادی است که هر یک از آن‌ها به نوبه خود، در شکل دادن آموزش‌های شهروندی، نقش حیاتی ایفا می‌کنند. سدلر به این نکته اشاره می‌کند که نمی‌توان

¹ Michael sadler



27th July 2017
 Tehran - IRAN

تربیت شهروندان یک جامعه را به طور انتزاعی و دور از حوزه نفوذ فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت و مجموعه منسجمی از عقاید و آرای تربیتی قالب در آن جامعه را به محک بررسی زد. به سخن دیگر، این آموزش‌گر فرانسوی اعتقاد دارد که اهداف، روش و محتوای آموزش‌های شهروندی در هر جامعه، با نهادهای آن، از جمله سیاست، اقتصاد، مذهب و به خصوص با بنیادهای فکری و اندیشه‌های تربیتی متعلق به آن جامعه، رابطه‌ای تنگاتنگ دارد که او آن را یک «رابطه دیالکتیکی» می‌نامد (شرفی و طاهرپور، ۱۳۸۷).

سدلر خاطر نشان می‌سازد که تربیت شهروندان در یک جامعه، ممکن است در جهت تربیت افرادی باشد که پاسدار و حافظ شرایط موجود باشند و تسلیم به سرنوشت مقدر شوند یا ممکن است تربیت انسانی باشد که حاکم بر سرنوشت خود شود و در تکاپوی زندگی مرفه و ایجاد شرایطی مطلوب قدم بردارد. محقق و اندیشمند دیگری که در باب آموزش‌های شهروندی اظهار نظر کرده آلون تافلر^۱ است. این آموزش‌گر آینده‌نگر در کتاب معروف خویش به نام «آموزش و پرورش برای فردا» معتقد است که آموزش و پرورش باید ضمن آشنا ساختن نسل جوان به نتایج تجربیات نسل‌های گذشته به منظور بهره‌گیری در کیفیت زندگی فردی و اجتماعی‌شان، و پرورش دانش‌آموختگان و شهروندان آینده جامعه ملی و جهانی مجهز به مهارت‌ها و دانش‌های تخصصی به منظور توانایی حل مساله، به حکم ضرورت‌های جامعه بشری، لازم است افراد را به عنوان شهروند جامعه جهانی و تکنوکرات‌ها و فن‌سالاران جوان، به گونه‌ای تربیت کند که بتواند خدمات حرفه‌ای خود را، هم در زادگاه خویش و هم در جوامع دیگر بر حسب نیازهای اقتصادی و صنعتی آنان عرصه کند (فرمهینی‌فراهانی، ۱۳۸۹).

امیل دورکیم^۲، استاد جامعه‌شناسی در کتاب معروف خویش با عنوان «جامعه‌شناسی تربیتی و تاریخ فرهنگ و تربیت در اروپا» آموزش شهروندی را از طریق اکتساب دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های منتقل شده از نسل‌های بزرگسال به نسل‌های نرسیده و ناپخته برای زندگی اجتماعی تلقی می‌کند او بر این باور است که تربیت شهروندان باید به دست نوابغ و صاحب‌نظران در عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد صورت پذیرد (فرمهینی‌فراهانی، ۱۳۸۹).

دورکیم مهارت و صلاحیت‌های لازم برای اعمال شهروندی را به ویژه در میان ممالک اروپای غربی (فرانسه، آلمان، بلژیک، سوئیس و...) از طریق ارائه مطالب و موضوعاتی در کلیه دروس مدارس و در مقطع تحصیلی ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی توصیه می‌کند و برای آموزش‌های مدنی و اخلاقی و پرورش روحیه مشارکت‌جویی که فرد شهروند را برای زندگی در جامعه آماده می‌سازد، به عنوان موضوعات بین رشته‌ای در همه درس‌های مدارس و کانون‌های آموزشی اولویت خاصی قائل است و تأکید دارد که آموزش شهروندی را در دروس مملوس و عینی مدرسه باید به گونه‌ای گنجانند که فرد شهروند پس از آن آموزش‌ها، بتواند با الزامات و نیازهای زندگی در جهان فردا همسازي داشته باشد و اهمیت این توانایی‌ها را در اجتماعی شدن و پذیرش مسئولیت می‌داند (آقازاده؛ ۱۳۸۵: ۵۲).

¹ Alvin toffler

² Emile Durkheim



۹-۲- رویکردهای تربیت شهروندی

رویکردهای تربیت شهروندی را می‌توان به دو دسته کلی رویکرد محافظه کارانه و رویکرد پیشرفت‌گرا تقسیم نمود. به عبارتی تربیت شهروندی ممکن است برای حفظ و مراقبت از وضع موجود (محافظه کارانه) و یا برای توانمند کردن افراد در پیکار و تلاش برای تغییرات تعالی‌بخش (پیشرفت‌گرا) به کار رود (یارمحمدیان، ۱۳۸۷: ۳۱).

رویکرد محافظه‌کار در تربیت شهروندی، اولویت ویژه‌ای به بازنمایی فرهنگ و بازنمایی نظم اجتماعی و اقتصادی موجود می‌دهد. مقصود مشترک آنان، القای حس وفاداری ملی، فرمانبرداری از اقتدار و قدرت، خدمت داوطلبانه و ارادی، و جذب و یکسان سازی افراد جامعه و مهاجران است. از این منظر تربیت شهروندی باید ساختار موجود اجتماعی را بپذیرد، ویژگی‌های اخلاقی را توسعه دهد و اتحاد و نظم اجتماعی را تنظیم نماید. به عبارتی این رویکرد تربیت شهروندی، برگزیده دانش و اطلاعاتی در باره تاریخ ملی، فرایند و ساختارهای دولت و کارکردهای آن است. از این رویکرد تحت عنوان تربیت در باره شهروندی یاد می‌کنند (فرمهمینی‌فراهانی، ۱۳۸۹). این رویکرد از لحاظ برنامه‌ریزی و اجرا، آسان اما از فایده و مطلوبیت چندانی برای یادگیرندگان برخوردار نیست چرا که موضوع محور، به خاطر سپاری، یادآوری اطلاعات و دانش از قبل تعیین و تهیه شده، مد نظر است.

رویکرد تربیت شهروندی پیشرفت‌گرا ایجاد فرصت‌هایی برای یادگیران به منظور درگیری و مشارکت فعال به عنوان عضوی از مدرسه و اجتماع بزرگتر است. این رویکرد در تربیت شهروندی تاکید ویژه‌ای بر تحولات اجتماعی و عدالت اجتماعی دارد. مقصود مشترک مدل‌های موجود در این رویکرد، تربیت شهروند جهانی تحلیل‌گر انتقادی مشارکت جوی سیاسی حامی تعامل فرهنگی و فرد آگاه است. تربیت شهروندی باید در اساس، نگران تعالی‌بخشی باشد که به واسطه آن شهروندان فعال و آگاه و پرسش‌گر بتوانند به طور موثر در زندگی مدنی خود مشارکت نمایند (فتحی- واجارگاه و دیبا واجاری، ۱۳۸۵). از این دیدگاه، تربیت شهروندی باید جنسیت، نژاد و ساختارهای طبقاتی را مورد تحلیل و نقد قرار دهد و به توسعه عدالت اجتماعی و احترام به تنوع، یاری رساند. شهروند خوب در این رویکرد، فردی مهربان، آگاه، سیاسی، نگران عدالت اجتماعی و محیط زیست، صبور و با مدارا در مقابل دیگران، امیدوار، قادر و طالب به گفتگو، و مشارکت جوی فعال در زندگی اجتماعی است. از این جنبه یا رویکرد، در تربیت شهروندی تحت عنوان تربیت برای شهروندی نیز یاد می‌شود (یارمحمدیان، ۱۳۸۷). در این رویکرد، اقدامات و فرصت‌هایی تدارک دیده و انجام می‌شود تا دانش‌آموزان از جنبه دانشی، نگرشی و توانشی، محیا شوند در نقش‌های اجتماعی و مسئولیت‌هایی که دیر یا زود در زندگی بزرگسالی با آن مواجه می‌شوند، بتوانند به گونه‌ای مثبت و سازنده رفتار نمایند.

کر (۲۰۰۲) همچنین از تربیت از طریق شهروندی نیز یاد می‌کند که به گونه‌ای از جهت‌گیری فعال در تربیت شهروندی حکایت دارد. تربیت از طریق شهروندی عبارت است از: یادگیری دانش‌آموزان از طریق اقدامات و مشارکتی که در مدرسه و جامعه محلی اتفاق می‌افتد. این جنبه نیز در برگزیده بعد عملی و تمرین دانش‌هایی است که دانش‌آموز از موضوعات و بحث‌های اجتماعی و مدنی کسب می‌کند (فتحی‌واجارگاه و واحدچوکده، ۱۳۸۸).

در توضیح بیشتر باید گفت که تربیت شهروندی پیشرفت‌گرا تاکید بر فهم و شناسایی هویت‌های چندگانه و مرتبط به صورت منطقی آشکار در عرصه‌های فرهنگی ملی منطقه‌ای و جهانی دارد. به عبارتی، تربیت شهروندی پیشرفت‌گرا هویت‌های فرهنگی دانش‌آموزان را مورد شناسایی و تاکید قرار می‌دهد. این رویکرد، دانش‌آموزان را به



دانش، آگاهی، توانش و نگرش‌هایی مجهز می‌سازد که قادر باشند نابرابری‌ها را در جوامع محلی کشور خود و جهان به چالش بکشند و ارزش‌ها دیدگاه‌های جهان شمول را ارتقا دهند و به توسعه عدالت و اجتماعات و جوامع چندفرهنگی و دموکراتیک اقدام نمایند.

رویکرد پیشرفت‌گرای تربیت شهروندی دانش‌آموزان را در ارتقا مهارت‌های تصمیم‌گیری، مهارت‌های اجتماعی، مهارت در شناسایی مسائل و مشکلات جامعه، کسب دانش در باره فرهنگ و اجتماع و زبان خود، شناخت ارزش‌های خود، و تبدیل شدن به یک انسان متفکر یاری می‌رساند این رویکرد به توسعه و پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی یاری می‌رساند، چیزی که تربیت شهروند انتقادی نیز نامیده می‌شود (فرم‌مینی‌فراهانی، ۱۳۸۹).

رویکرد فعال تربیت شهروندی یعنی جنبه‌های تربیت برای شهروندی و تربیت از طریق شهروندی از لحاظ طراحی و اجرا با مشکلات و چالش‌های بیشتری مواجه است چرا که فرآیند محوری، فعالیت محوری، شاگرد محوری در اولویت می‌باشد گستره این رویکردها به تربیت شهروندی را می‌توان از منظری دیگر و با عنایت به تاکید هر رویکرد به مولفه‌های اساسی مطرح در تربیت و نظام آموزشی مورد توجه قرار داد (یارمحمدیان، ۱۳۸۷: ۳۳).

۲-۱۰- جایگاه نهاد آموزشی در تربیت شهروندی

طبیعتاً آموزش حقوق شهروندی از وظایف نظام آموزشی و بالخصوص مدرسه می‌باشد. مهمترین هدف یک مدرسه تربیت یک شهروند خوب برای جامعه می‌باشد (از جمله کشورهای که در زمینه آموزش حقوق بشر و شهروندی توسط مدارس، پیشرفت زیادی داشته است، کشور سوئد می‌باشد). در مدارس، آموزش حقوق شهروندی باید از تمام مراحل برنامه درسی ملحوظ شود و چنین نباشد که رشته‌ای جداگانه تشکیل دهد و در بعضی مقاطع به کار برده شود و در بعضی مقاطع دیگر به کار برده نشود.

نظام تربیتی بیش از هر چیز وظیفه آماده کردن نسل جدید را برای جامعه امروز بر عهده دارد و هدف آن نیز این است که افرادی را که می‌خواهند در جامعه زندگی کنند، با اصول، قواعد، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماع آشنا کند البته نه این که کاملاً خود را با آن منطبق کنند بلکه باید بتواند به شناخت جدیدی در فرهنگ خود برسند. پس انتظار عموم از آموزش و پرورش در مرحله اول، این است که دانش‌آموزان را به گونه‌ای تربیت نمایند که درست در جامعه زندگی کرده و کار مناسب و ارتباط خوبی با مردم داشته باشند و نیز بتوانند مناسبت‌های اجتماعی را درست سازماندهی کنند، هنجارشکنی نکنند (فتحی و اجارگاه و واحدچوکده، ۱۳۸۵).

آموزش و پرورش افراد جامعه به‌عنوان عاملی پایه و بنیادی، بر عهده‌ی نظام تعلیم و تربیت رسمی یک کشور است. این امر از اهمیت اساسی برخوردار است. به نحوی که رسو^۱ با نظر به اهمیت عملکردهای آموزش و پرورش، بیان می‌دارد که نهاد تعلیم و تربیت، کشتی نجات دهنده‌ی بشر اجتماعی است (کوی، ۱۳۷۸: ۱۳) و صاحب نظران دیگر آن را عامل معنابخش زندگی همه‌ی افراد جامعه می‌دانند (صباغیان، ۱۳۷۵، ۲۰). بر اساس تأثیر بسزایی که آموزش و پرورش یگ جامعه در جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان دارد، آماده سازی نسل جدید برای ایفای نقش شهروندی در

¹ Rousseau



جامعه محلی، ملی و جهانی نیز امری است که از این نهاد آموزشی انتظار می‌رود زیرا ایفای نقش شهروندی مستلزم دانایی، آگاهی، مهارت لازم برای حل مسأله‌آمیز مشکلات و چالش‌هایی است که فرد در زندگی اجتماعی خود با آن برخورد خواهد کرد و از مهم‌ترین بسترهای کسب چنین شایستگی‌هایی، نظام آموزش و پرورش هر جامعه است (فرم‌هینی‌فراهانی، ۱۳۸۹). اهمیت نظام آموزش و پرورش بر روی دانش‌آموزان به حدی است که ممکن است رفتار، خودانگاره و تصویری را که کودک در بستر خانواده کسب کرده است، به دلیل تجربه حضور در مدرسه و ورود به گروه‌های همسالان تغییر دهد یا اینکه آنها را تقویت کند.

در این رابطه کلمن^۱ (۱۹۶۵) معتقد است که آموزش و پرورش رسمی، ابزار اصلی تغییر نگرش‌ها و دگرگونی ساختارهای اجتماعی و تعیین‌کننده‌ی الگوهای سیاسی جدید است. مدرسه می‌تواند نقش مهمی در گسترش مهارت‌های مربوط به مشارکت سیاسی داشته باشد. زیرا مدرسه می‌تواند مهارت‌های مرتبط با مشارکت را آموزش دهد (شارع-پور، ۱۳۸۶: ۳۰۲). همچنین مارشال^۲ (۱۹۶۲) در این رابطه بیان می‌دارد "کسب آموزش و پرورش یک وظیفه و تکلیف است؛ زیرا آموزش و پرورش ابزاری برای فهم حقوق و همچنین تکالیف شهروندی آزادی، همکاری و مشارکت برابری فرصت‌ها و ... را افزایش می‌دهد و فرد را به امور سیاسی و اجتماعی علاقه‌مند می‌کند و آگاهی او را از حقوق و تکالیف خود و دیگر افراد افزایش می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت این برنامه درسی، به آزادی افراد، رعایت حقوق یکدیگر، بیان عقاید، تمایل به مشارکت در مسائل، استفاده از تفکر منطقی و انتقادی در حل مسائل، برخورداری از تحمل و سعه‌ی صدر، پیگیری اخبار و اطلاعات از منابع مختلف، امری است که در روابط، مشارکت را آموزش می‌دهد همچنین مارشال در این رابطه بیان می‌دارد که بهره‌مندی از آموزش و پرورش یک وظیفه و تکلیف است. زیرا آموزش و پرورش ابزاری برای فهم حقوق و همچنین تکالیف شهروندی و اجرای این تکالیف و وظایف به نحو مطلوب است (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

اما مدرسه به‌عنوان بخشی از نظام آموزش و پرورش رسمی یک کشور، چگونه نسل جدید را برای ایفای نقش شهروندی آماده می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش، باید اشاره کرد که مدرسه دارای دو نوع برنامه درسی رسمی که شامل کتاب‌هایی است با محتوای مشخص؛ و برنامه درسی پنهان که شامل روابط بین شاگرد و معلم، روش‌های تدریس، محیط فیزیکی و فرهنگی مدرسه، روابط بین معلمین، نحوه‌ی اداره مدرسه، نقش دانش‌آموزان در اداره کلاس درس و مدرسه است. آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ایفای نقش شهروندی، از چنین بستری می‌گذرد. براین اساس به تاثیر هریک از این دو مقوله بر روی تربیت شهروندی می‌پردازیم (شریفی و طاهرپور؛ ۱۳۸۰: ۶۰):

الف) برنامه درسی رسمی: برنامه درسی رسمی ناظر بر دروس معینی است که در نظام آموزشی، از آنها استفاده می‌شود. در این رابطه می‌توان به کتب درسی همچون تعلیمات مدنی و اجتماعی، تاریخ و ادبیات در سطوح مختلف تحصیلی اشاره کرد. در این میان دروس تعلیمات مدنی و اجتماعی منبع مهم آموزش شهروندی به شمار می‌رود. زیرا این درس پایه‌ی شناخت دانش‌آموزان را از نهادها و فرآیندهای سیاسی مثل قانون اساسی، قوای سه‌گانه و نظایر آن و

¹ Coleman

² Marshal



مفاهیم شهروندی مثل قانون‌گرایی، آزادی، همکاری و مشارکت، برابری فرصت‌ها و ... را افزایش می‌دهد و فرد را به امور سیاسی و اجتماعی علاقه‌مند می‌کند و آگاهی او را از حقوق و تکالیف خود و دیگر افراد افزایش می‌دهد.

براین اساس می‌توان گفت برنامه درسی رسمی، بیشتر ناظر بر تغییر در حوزه‌ی شناختی دانش‌آموزان است. بنابراین، در این حیطه باید به نحوی عمل کرد که دانش‌آموزان به‌عنوان شهروندان آینده، توانایی لازم را برای درک، تجزیه و تحلیل مسائل، مشکلات و چالش‌ها را در بستر شهروندی محلی، ملی و جهانی پیدا کنند. به عبارت دیگر در آموزش شهروندی در حیطه‌ی شناختی، باید به دادن آگاهی صرف به دانش‌آموزان، اکتفا نکرد؛ بلکه توانایی لازم را برای کسب اطلاعات از منابع مختلف و تجزیه، تحلیل و ارزشیابی، آن را باید در آنان نهادینه کرد (شارع پور، ۱۳۸۶: ۲۰۲).

ب) برنامه درسی پنهان: اگرچه تفکیک بین برنامه درسی رسمی و پنهان به معنای استقلال آن‌ها از یکدیگر نیست؛ زیرا هر دو این‌ها در بستر تعلیم و تربیت به ظهور می‌رسند و تفکیک آن‌ها بیشتر ناظر بر مطالعه دقیق‌تر آن‌ها است. اگر ما قائل به این باشیم که برنامه درسی رسمی بیشتر ناظر بر رشد شناختی دانش‌آموزان و افزایش توانایی تجزیه و تحلیل در آنان است؛ برنامه درسی پنهان به عنوان امری که ناظر بر آنچه که در مدرسه می‌گذرد، از روابط بین معلم و شاگرد گرفته تا فضای فیزیکی مدرسه، نحوه‌ی اداره‌ی آن، روش‌های تدریس معلمان و ... بیشتر ناظر بر بعد عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان است. اموری از قبیل احترام به دیگران، اعتقاد به برابری، اطاعت از قانون، اعتقاد به آزادی افراد، رعایت حقوق یکدیگر، بیان عقاید، تمایل به مشارکت در مسائل، استفاده از تفکر منطقی و انتقادی در حل مسائل، برخورداری از تحمل و سعه صدر، پیگیری اخبار و اطلاعات از منابع مختلف؛ امری است که در روابط بین معلم و شاگرد، مدیر مدرسه و سایر کارکنان و روابط بین دانش‌آموزان نهادینه می‌شود.

۲-۱۱- رابطه بین نهاد خانواده و آموزش و پرورش

برای افزایش کارایی خانه و مدرسه در امر تربیت در ابعاد مختلف انسانی از جمله بعد شهروندی، لازم است که این دو نهاد تأثیرگذار، با یکدیگر همکاری تنگاتنگی داشته باشند و به نحوی نباشد که هریک از این دو، به کار خود مشغول شوند و حتی کارکرد دیگری را باطل و ناکارآمد کنند. مثلاً نظام آموزشی بر هنجارها و ارزش‌های فرهنگی جامعه، به‌عنوان یکی از مولفه‌های شهروندی تأکید کند و خانواده در عمل و رفتار خود پایبند و معتقد به فرهنگ بیگانه باشد و تلاش کند این امر را در فرزند خود نهادینه کند. بنابراین برای توفیق در تربیت شهروندی، همکاری، تعاون و هم‌سویی نهاد خانواده و نهاد آموزشی ضروری است (شرفی و طاهرپور؛ ۱۳۸۷: ۵۸).



۳- نتیجه گیری

خانه و مدرسه مکانی است برای یادگیری حقوق و مسئولیت‌های شهروندی؛ و در این میان، نه تنها یک مکان جهت آماده شدن برای زندگی است، بلکه در حقیقت، جایی برای تمرین زندگی و تجربه عرصه‌های مختلف آن است. از سوی دیگر برای داشتن شهروندی آگاه، وظیفه‌شناس، قدردان، متعهد و مسئولیت‌پذیر و همچنین جامعه که بستر لازم را برای مشارکت شهروندان مهیا کند و نسبت به حقوق آنها توجه جدی داشته باشد؛ چاره‌ای نیست جز اینکه در امر تربیت شهروندان، کوشش و جدیت ویژه به خرج دهیم. در این ارتباط، برای شکل‌گیری خانواده که بستر مناسب برای تربیت شهروندی باشد باید به آموزش و مشاوره قبل از ازدواج، آموزش خانواده در امر تربیت فرزندان و برخورد مناسب با آنها، و حمایت از خانواده در شرایط بحرانی، توجه جدی نمود. اما در بعد نهاد آموزشی به‌عنوان بستری دیگر برای تربیت شهروندی، به اموری از قبیل به‌کار گرفتن توانایی دانش‌آموزان در اداره اموری که در مدرسه متعلق به آنان است، توجه جدی به آموزش شهروندی در قالب دروس نظری و عملی نه دروس صرف نظری، روابط مناسب بین کارکنان مدرسه، و ارتباط و تعامل جدی بین نهاد خانواده و مدرسه تأکید شود. نتایج این تحقیق در دو بعد نقش خانواده و نهاد آموزشی در تربیت شهروندی به شرح ذیل است:

الف) نهاد آموزشی: نهاد آموزشی نیز از طریق برنامه درسی رسمی و پنهان برانگیختن مشارکت دانش‌آموزان در اداره امور مدرسه و فعالیت‌های فوق برنامه و ایجاد بستر لازم برای همکاری و نزدیکی نهاد آموزشی و خانواده و دادن آگاهی به والدین بر تربیت شهروندی تأثیر می‌گذارد.

ب) خانواده: خانواده از طریق ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در جریان الگو وارد شدن والدین برای فرزندان و همانندسازی کودکان با آنها، نهادینه کردن تفکر انتقادی در کانون خانواده در جهت ارزش‌سنجی فرهنگی و توسعه‌ی ارزش‌های فرهنگی بر اساس منابع اصیل جامعه (مذهب و ادبیات). توسعه تعاملات اجتماعی برای انتقال هنجارهای اجتماعی، دادن حق انتخاب به کودکان برای نهادینه کردن آنان در امور مختلف، واگذاری مسئولیت به کودکان، ایجاد فضای عاطفی و روانی مناسب برای کودکان در محیط خانواده در جهت پذیرش کودکان و ایجاد حرمت نفس، احترام به خود و ایجاد تصور مثبت در آنان نسبت به توانایی خود.

پیشنهادها: الف) برای آماده کردن کودکان جهت زندگی در جامعه، باید آنان را شهروند خوب تربیت کرد. ب) تربیت شهروندی باید از دوره آمادگی شروع شود. ج) تربیت شهروندی باید در همه برنامه‌ها و کتب درسی لحاظ شود. د) معلمان آمادگی کافی برای آموزش شهروندی را داشته باشند. و) برای آموزش شهروندی باید مدارس و خانواده ارتباط نزدیکی بهم داشته باشند و والدین دانش‌آموزان آموزش‌های لازم را ببینند.



منابع

- آشتیانی، م؛ فتحی وارجارگاه، ک؛ یمنی دوزی سرخابی، م (۱۳۸۵). لحاظ کردن ارزش های شهروندی در برنامه درسی برای تدریس در دوره دبستان. فصل نامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۷.
- آقازاده، ا (۱۳۸۵). قواعد حاکم بر تربیت شهروندی. فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، صص ۴۵-۶۶.
- دستمالچیان ا (۱۳۹۰). کلیاتی راجع به حقوق شهروندی. تهران: اداره صیانت از حقوق شهروندی وزارت کشور.
- صدقاتی فرد، م (۱۳۹۱). جامعه شناسی. تهران: انتشارات ارسباران.
- صباغیان، ز (۱۳۷۵). ضرورت آموزش مداوم. فصلنامه آموزش و پرورش بزرگسالان و نوآوری، سال اول، شماره ۱. شارع پور، م (۱۳۸۶). جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت.
- شرفی، م و طاهرپور م (۱۳۸۷). نقش نهاد آموزشی در تربیت شهروندی. ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره های ۱۵ و ۱۶. صص ۴۹-۶۲.
- فتحی وارجارگاه، ک و واحدچوکده، س (۱۳۸۸). آموزش شهروندی در مدارس، تهران: نشر آبیژ.
- فتحی، ک (۱۳۸۱). برنامه های درسی تربیت شهروندی. مجله پژوهش دانشگاه اصفهان، جلد ۱۴، شماره ۲، صص ۲۰۶-۱۸۱.
- فتحی وارجارگاه، ک و دیبا وارجاری، ط (۱۳۸۵). تربیت شهروندی. تهران: نشر فاخر.
- فرمهبینی فراهانی، م (۱۳۸۹). تربیت شهروندی: تاریخچه، رویکردها، اهداف، اصول، ضرورت، ابهام، گستره، مطالعات تطبیقی، برنامه درسی، تهران: نشر آبیژ.
- قائدی، ی (۱۳۸۵). تربیت شهروند آینده. فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۷، صص ۲۱۰-۱۸۳.
- قلتاش، ع؛ یارمحمدیان، م؛ فروغی ابری، ا و میرشاه جعفری، س. (۱۳۸۹). در نقد و بررسی رویکرد پیشرفتگرای تربیت شهروندی در برنامه درسی دوره ابتدایی ایران. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره ۹۰، صص ۶۲-۳۷.
- کوی، ل (۱۳۷۸). آموزش و پرورش؛ فرهنگ ها و جوامع. ترجمه محمد یمنی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- گوازی، آ (۱۳۸۷). شیوه انتخاب و ساماندهی برنامه درسی. فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۲۵، سال هفتم، صص ۴۸-۱۱.
- لطف آبادی، ح (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزش دانش آموزان. فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۷.
- لوبیسی، ش (۱۳۸۵). زندگی به شیوه شهروندی را چگونه می توان آموخت. فصلنامه تکنولوژی آموزشی، شماره ۱.